

فصل‌نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال پنجم، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۸

## میراث تاریخی و کالبدی شهرهای اصفهان عهد مغول به عنوان مبنایی برای توسعه شهری در قرون میانه هجری: یک بررسی میدانی

علی بحرانی پور<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۳

### چکیده:

اصفهان را معمولاً به نام سلسله صفویه می‌شناسند و از همان زمان است که چنان به توسعه شهری دست یافت که به «نصف جهان» ملقب شد. لیکن سابقه این توسعه به پایتختی این شهر در عهد سلجوقیان نیز بازمی‌گشت. در میان این دو دوره پایتختی، در باب تاریخ شهری اصفهان سکوتی غریب در منابع هست که با بررسی میدانی آثار متعدد و غنی اصفهان، قابل جبران است. هدف نوشته حاضر تلاشی برای پرکردن خلأ اطلاعاتی در میان دو دوره سلجوقی و صفوی است که نه تنها شهر اصفهان که حتی شهرهای بزرگ و کوچک مجاور آن را در بر گرفته است.

پرسش آن است که عوامل تداوم حیات شهری اصفهان در عهد مغولان تا ترکمانان چه بوده است؟ فرضیه حاکی از آن است که رقابت‌های محله‌ای و فرقه‌ای در این دوره به رقابت در جهت ساخت مساجد، خانقاه‌ها و مجموعه‌های محله‌ای و خاندانی منجر شد. یافته‌های بررسی حاضر ضمن تأیید فرضیه تأکید دارد که عنصر محله به‌عنوان کوچکترین واحد مستقل سکونتی، شهرهای اصفهان را پاره‌پاره کرد و جای وحدت شهری را گرفت. مهم‌ترین عامل محدث شهری و صنفی و اجتماعی صوفیانی بودند که با لقبهای خویشاوندانه کاکا، بابا و عمو همبستگی اجتماعی محله‌ها را تقویت می‌کردند.

واژگان کلیدی: میراث تاریخی، اصفهان، مغولان، تیموریان، ترکمانان.

## ۱- آثار تاریخی محله جوباره، سبزه میدان (خیابان‌های ابن سینا و کمال) در شهر اصفهان:

### ۱-۱- بقعه و محله شهشانی:

بقعه‌ای از یکی از عرفای عهد تیموریان به نام شاه علاءالدین محمد است که گویا به سبب همدستی در شورش نافرجام سلطان محمد علیه سلطان شاهرخ بهادر محکوم و در آخرین سال حیات شاهرخ به فرمان او در سال ۸۵۰ هجری اعدام شد. لقب شاه دست کم از عهد مغول برای صوفیان بزرگ به کار می‌رفته است؛ بنابراین لقب شهشهان یکی از نمونه‌های غلوآمیز چنین لقبی است. ظاهراً این لقب به نام خاندانی ثروتمند و صاحب اوقافی شدند که به تأسیس بقعه و حسینیه و محله‌ای به نام شهشانی شده است که فرمان‌هایی از حکمرانان آق قویونلو و صفوی در باب تثبیت و توسعه اوقاف فوق باقی است که تا دهه‌های اخیر با تلاش‌های یکی از نوادگان این خاندان احیا و بازپس گرفته شده است.

ظاهراً کتیبه‌های گچبری ثلث و نسخ زیبایی از قرون نهم به بعد در بقعه باقی است که تلاش‌های اینجانب برای بازدید به جایی نرسید که «در دیر می‌زدم من که یکی زدر درآمد/ که تو در برون چه کردی که درون خانه‌ایی».

۱. فرمان سلطان محمد مورخ ۱۲ ربیع‌الثانی ۸۵۲ هجری قمری در وقف قراء اصفهانک و درزیان از بلوک کرارج و قریه و لاسان در فریدن.

۲. فرمان یعقوب بیگ آق قویونلو مورخ ۵ ربیع‌الثانی ۸۸۴ هجری قمری در واگذاری مزرعه و لاسان فریدن از موقوفات بقعه شهشهان به متولی بقعه که در آن تاریخ شاه تقی الدین محمد فرزند قواام الدین حسین برادر شاه علاءالدین محمد نقیب بوده است.

۳. طومار مورخ ذیقعد ۸۸۶ هجری قمری در تأیید وقف بودن اصفهانک و درزیان و لاسان با امضاء جلال الدین دوانی که دانشمند مشهور آن دوره است.

۴. صورت مجلس حکم محکمه شرعی مورخ ۱۰ شعبان ۹۰۰ هجری قمری در مورد وقف بودن قریه اصفهانک که رستم بیگ آق قویونلو به‌الله خود عبدالکریم بیگ بخشیده و شاه تقی الدین محمد متولی وقف، به محکمه شرع اصفهان شکایت برده است.

۵. فرمان رستم بیگ آق قویونلو مورخ ۱ رمضان ۹۰۰ هجری قمری درباره ضبط موضع اصفهانک که به دنبال حکم مزبور صادر شده و به موجب آن مقرر شده که آن را به تصرف شاه تقی‌الدین محمد نقیب متولی شرعی گذارند.<sup>۱</sup>

#### ۱-۲- مقبره بابا قاسم:

بابا یکی دیگر از القاب صوفیانه است که همچون شاه یا شیخ چندان عالی نبود، بلکه نوعی رابطه نزدیک و صمیمانه او را با اصناف بازار محله جوباره را به تصویر می‌کشد. در فرهنگ صوفیانه و فتوتی اصفهان در عهد مغول که بخوبی در سفرنامه ابن بطوطه توصیف شده است، القاب دیگری چون «عمو» در نام عموعبدالله کاردلانی مدفون در زیر منار جنبان در محله مارنان / ماریین نیز در میان متصوفه اصفهانی عهد مغول کاربرد داشته است.

این بقعه کوچک با وجود ظاهر ساده آجرکاری شده‌اش گنبد رک بسیار زیبایی با کتیبه کوفی بنایی پرتزیینی به شیوه ترکیب آجر و کاشی لاجوردی و قلمگیری سفید و مشکی دارد. درون بقعه سنگ گوری با کتیبه‌های کوفی و نسخ و تعلیق منسوب به بابا قاسم باقی است. کاربندیها و مقرنس کاری‌های بزرگ و بسیار زیبا در سه کنجهای گنبد و و گچبری‌های زیبایی در زیر و گوشه گنبد به چشم می‌خورد.

این شیوه معماری دوره گذار روشنی از سبک معماری رازی به آذری را به شیوه معمول در فلات مرکزی ایران را به تصویر می‌کشد که می‌توان با اطمینان آن را به قرن هشتم نسبت داد. نمونه‌های مشابه این گنبد رک در عهد غازان به بعد را می‌توان در امامزاده جعفر دامغان و در مجموعه شیخ بایزید در بسطام مشاهده کرد.

۱. اوین، نکاتی درباره اسناد اق قویونلوها، ص ۱۹۷؛ طباطبایی، چند سند تاریخی مربوط به اصفهان، ص ۲۵؛ میرزا زمانی، بقعه شهشهان و اسناد آن، ص ۶۴-۶۱.

### ۱-۳- بازار سبزه میدان در مجاورت مسجد جامع سلجوقی:

بازار بزرگ و زیبای اصفهان که با طاقهای ضربی آجری و گنبدهای آجرکاری با طرحهای مختلف تکرار شونده یک یا دو درمیان حلزونی (لابیرنت) و فارسیر و پلکانی (خفته-راسته) به طول حدود دو کیلومتر تا میدان نقش جهان ادامه دارد و به مثابه یک دالان زمان محله‌ها، مساجد، سقاخانه‌ها و مناره‌های دوره سلجوقی، مغول، آل مظفر، تیموری، ترکمانان را به صفویه (میدان نقش جهان) متصل می‌کند و لابه‌لای آن گاه آثار زندیه تا قاجاریه رخ می‌نمایانند.

در محوطه‌ای از خانه‌های قاجاری تخریب شده در جنوب بازار و مسجد جامع سلجوقی اصفهان، لایه‌های حیات شهری اصفهان در ادوار سلجوقی تا صفوی نیز تخریب و تسطیح شده‌اند، به طوری که مقداری سفال فیروزه‌ای تیره با لعاب صدفی شده سلجوقی، سفال فیروزه‌ای متوسط با نقوشی زیرلعابی مشکی، مقداری کاشی ستاره‌ای و آبیچک فیروزه‌ای مغولی به بعد، سفال بدل چینی آبی و سفید صفوی در همان محوطه پراکنده‌اند.

وجود خوانق و مدارس صوفیان تا عهد مغول، مساجد آل مظفر به بعد و محله‌های مرتبط با اصناف در بسیاری از کوچه‌های متصل به بازار، حاکی از رابطه مرشدی میان اصناف و اهل فتوت با صفویه تا عهد آل مظفر بود. قتل شهشهرانی و سرکوب نوربخشیه توسط سلطان شاهرخ تیموری و شاه عباس پایانی بر این امر بود که، ریاست و وابستگی اصناف را به علما منتقل کرد. در این بین خلافت گرایی آل مظفر و ساخت و سازهای خلافت‌گرا- شریعت‌گرایانه آنان به تقلید از سلجوقیان، در برابر خانقاه‌ها و مدارس طریقت رایانه، دوره تحولی مهمی را نشان می‌دهد.

### ۱-۴- مقبره علامه محمدباقر و شیخ محمد تقی مجلسی:

علامه محمدباقر و شیخ محمد تقی مجلسی از نظریه‌پردازان و محدثین نامدار صفویه بودند که سهم عمده‌ای در تثبیت معارف تشیع امامی و مشروعیت بخشی به شاهان صفوی بوده‌اند. بقعه‌ای با گنبد آجری پیازی شکل با گوی نسبتاً بلند و نقاشی‌های روی گچ به صورت ترنج و مرغان بهشتی به سبک صفوی متاخر است. وقفنامه‌ها و کتیبه‌های سنگی کوچکی از عهد صفوی

در گوشه و کنار آن به چشم می خورد. بازارچه ای در کنار آن هست که به نام بازار مجلسی شهرت یافته است.

#### ۱-۵- مسجد جامع سلجوقی:

این بزرگترین و مهمترین مسجد شهر اصفهان که به قولی آتشگاه ساسانی بوده و در ادوار آل بویه شبستانی بدان افزوده شد و در عهد سلجوقیان توسط ملکشاه و نظام الملک (ایوان خاکی) و رقیب او تاج الملک (ایوان تاج الملک) توسعه کلی یافت، اولجایتو محراب نبوغ آمیزش را به آن افزود، آل مظفر کاشی کاری معرق لاجوردی، صفویه و قاجار کاشیهای هفت رنگ و ترکیب آجر و کاشی بدان افزودند به طوری که این مسجد را نماد ۱۳ قرن تاریخ معماری ایران اسلامی نامیده اند.

#### ۱-۶- کوچه سلطان سنجر و کنیسه یهودی ملا یعقوب:

جستجو و مصاحبه با اهل محل، رابطه این کوچه با سلطان سنجر را معلوم نکرد اما گویا بسیاری از خانه ها، باغهای این کوچه در قرون اخیر به هموطنان کلیمی تعلق یافته بود.

#### ۱-۷- مقبره خلیفه الراشد بن المسترشد و دو شاعر سلجوقی کمال الدین و جمال الدین اصفهانی:

در عهد سلجوقیان شهر اصفهان اهمیت و مرکزیت ویژه یافت؛ لذا از روزگار جانشینان ملکشاه تا اواخر سلسله تلاش هایی برای حفظ مشروعیت سلاطین متخاصم و رقیب صورت می گرفت، آنان برای پیروزی در رقابت های مذکور، هم از خاندان خلافت بهره برده و خلفای دست نشانده ای چون خلیفه الراشد بن المسترشد را تا زمان مرگ در پایتخت خویش به نوا می گرفتند و هم ملک الشعراهای نامدار شهر کمال الدین و جمال الدین اصفهانی را به عنوان مداح و به قول امروز رسانه ای برای پروپاگاندا ی سیاسی خویش به کار می گرفتند.

امروزه بقایای مقبره آجری ساده و نوسازی شده این مقبره در گوشه‌ای از خیابان کمال باقی است که در پشت آن کنیسه‌ای یهودی در قرن اخیر ساخته شده است.

#### ۸-۱- منار ساریان:

این مناره که به قرن ششم در عهد سلجوقیان منتسب است، وجه تسمیه اش برگرفته نامعلوم ماند. اما به قرینه سفرنامه ابن بطوطه که در اصفهان در کوچه‌ای به نام کوطراز یا طراز چهل کاروانسرا قرار داشت، بعید نیست این مناره به قشر ساریانان همین کاروانسراها تعلق داشته است، که به نوعی یک میل یا نماد راهداری به شمار می‌رفته است. از نظر نوع آجرکاری با منار رادان (راهداران) در روستایی در نزدیکی اصفهان و با منار زیار شباهتهایی دارد.

#### ۹-۱- مناره‌های دارالضیافه:

هرچند که متأسفانه بنای کامل تخریب شده و فقط دو مناره و یک درگاه دو طبقه از آن باقی مانده است، لیکن نوع معماری مرتفع آن که به سبک آذری است، و به ویژه کاشی کاری معرق لاجوردی و مقرتسهای ظریف زنبوری آن بسیار شبیه به مسجد جامع کبیر یزد است که ساخته مبارزالدین محمد بن مظفر بود.

با توجه به نام بنا، کاربری آن به احتمال قوی محلی برای برگزاری ضیافتهای رسمی حاکمان مظفری در اصفهان بوده است که شاید گاه به عنوان مهمانخانه نیز به کار می‌رفت. برای بازسازی خیالی فضای آن می‌توان به دارالضیافه حرم امام رضا علیه السلام عنایت کرد.

#### ۱۰-۱- منار باغ قوشخانه:

این منار با سه ردیف آجرکاری و ترکیب آجر و کاشی در اصل متعلق به مسجد باباسوخته در کنار دروازه طوقچی و باغ قوشخانه شاه عباسی قرار داشته است که به همین سبب به همه نامه‌ای فوق خوانده می‌شود.

**۱-۱۱-باغ قوشخانه:**

چنان که از نامش بر می آید، نوعی باغ پرندگان و غالباً عقابها و شاهینها بوده است که به سبک چهارباغ دوره صفویه باغ آرایشی شده و بر شالوده آجر بهمنی قرمز با ملاط گچی مغولی-صفوی آن عمارتی به سبک نیمه دوم قاجاریه با ایوانی ستوندار با سرستونهای کورنتی به شیوه اروپای باروک ساخته شده است.

در پودالهای پاکتی شده زیر درختان نسبتاً کهنسال چنار باغ خرده سفالهای نازک فیروزه‌ای با پخت فریت فیروزه‌ای ایلخانی سأل مظفر، سفال بدل چینی آبی و سفید صفوی، سفالهای با لعاب رقیق فیروزه‌ای و مقداری مهره تسییح لاجوردی رنگ هست، که اگر از لانه کلاغها نیفتاده! یا با خاک تازه به اینجا نیاورده باشند، احتمالاً اشاره به ادوار زندگی پرتجمل تاریخی در باغ قوشخانه دارد. چنان که از متون تاریخی و نقوش نگارگری و قالی‌های تاریخی بر می آید، شکار با قوش از تفریحات رایج اشراف سلسله‌های ترک سلجوقی و مغول و صفوی بوده است. این باغ بیش از هر چیز به شاه عباس بزرگ منتسب است.

**۲-اصفهان، محله ناژوان:**

در دو کرانه شمالی و جنوبی زاینده رود در حدود پل مارنان، زمین‌های آبرفتی بسیار مرغوبی برای کشت سبزیجات، گل و باغها است که به نام محله ناژوان و قلعه آقا (آقا اسماعیل؟ از زمینداران عهد قاجار مشهور است. جوی‌هایی از رودخانه و قنوات برای آبیاری این خانه-باغهای خشت و گلی قاجاری به کار می‌رفته است که هنوز باقی است و جابه‌جا پلهایی با طاق‌های ضربی و آبراهه‌ها و شترگلوهایی در مسیر آنها نصب شده است.

وجود خانه‌های اعیانی با دیوارهای کاه گلی و طاق‌های رومی اواسط قاجار و آخورهایی که در دیوارهای پشتی تعبیه شده است، تمرکز جمعیت و ثروت در این نقطه است.

پرورش اسبان تنومند کرد، ترکمن و عرب در این محیط روستایی در میانه شهر عظیمی چون اصفهان، بقای سنت‌های حیات اقتصادی و اجتماعی قرون گذشته را به تصویر می‌کشد.

## ۲-۱- پُل مارنان:

نام پلی در شهر اصفهان واقع در خیابان مطهری و بین پل فلزی و پل وحید واقع شده است. این پل در اصل ماریین نام داشته است که خود ماریین دیگرگون شده «مهریین» از فرهنگ اوستایی است و چون قرن‌ها قبل از ظهور زرتشت معبد مهرپرستان بر فراز کوهچه آتشفشان از تمام روستاهای اطراف آن مشاهده می‌شده است [نیازمند منبع]، نام این بلوک هم مهریین بوده که با تصحیف این نام در زبان پهلوی ساسانی به «ماریین» در دوره ساسانیان و به دنبال آن در طول مدت ۱۵ قرن تاریخ اسلامی ایران پیوسته با همین نام شناخته شده است و قدمت ساختمان این پل که از زمانهای بسیار دور همچنان کهپل جی یا پل شهرستان واسطه اتصال شمالی‌ترین ساحل شهری زاینده رود به جنوبی‌ترین ساحل مقابل بوده است، پل مارنان نیز وجود داشته و واسطه اتصال دو ساحل شمالی و جنوبی رودخانه در غربی‌ترین قسمت شهر اصفهان بوده است و روستاهای ماریین از طریق پل مارنان (پل ماریین) به روستاهای مقابل آن در ساحل جنوبی رودخانه متصل می‌شده است شکل امروزی پل مارنان با نمای ساختمانی آن در عصر صفویه تغییری نکرده ولی تعمیرات مکرر داشته است. چهار فرسنگ مانده به شهر اصفهان رودخانه زاینده رود به شکل ماریپیچی راست خم گردیده و وارد اصفهان می‌گردد به همین دلیل گفته‌اند قریه مارنان رامارینان گفته‌اند و در همین محل پل مارنان ساخته‌اند و جلفا را به قریه مارنان متصل می‌کند. پل مزبور اکنون دارای هفده دهانه است ولی در پیش بیش از این دهانه داشته است که اکنون بسته شده است مدتی هم نام این پل سرفراز نام داشت، دلیل این نام گذاری را چنین بیان می‌کنند که در زمان شاه سلیمان صفوی یکی از ثروتمندان ارامنه این پل را ساخت و به لقب سرفراز نائل گردید و مدتی هم به نام سرفراز مشهور بود. لازم است ذکر شود ثبت تاریخی این پل در مرحله گردش اداری است.



## ۲-۲- کبوترخان یا کبوترخانه:

کبوترخان یا کبوترخانه، محلی است که کبوتران در آن آشیانه می‌سازند، ساخت کبوترخانه را می‌توان به نوعی شاهکاری هنری دانست که در میان مزارع برای جذب و نگهداری کبوتران صحرایی به منظور استفاده و گردآوری کودکان ساخته می‌شدند. کبوترخانه‌ها را در مناطقی بنیان می‌نهادند که از اقلیمی کویری بهره‌مند بود، برج‌های کبوتر متناسب با اقتصاد کشاورزی کاربری‌های متفاوتی داشته‌است. مصالح و روش ساخت نیز متأثر از شرایط محیطی چون بافت معماری که گل رس و گاه و نمک بنیادش بود، بهره می‌برد و مقاوم در برابر سرما و گرما و عایقی حرارتی و درعین حال صوتی بود تا آرامش کبوتران درون کبوترخانه را تأمین کند.

برج کبوترخانه آذر بهرام واقع در بوستان زکات جنب اتوبان شهید آقا بابائی در محدوده خدماتی شهرداری منطقه ۱۰ اصفهان یکی از چندین کبوترخانه اصفهان است که به قهوه‌خانه‌ای سنتی به نام ترنج تبدیل شده‌است. متولی مهمان نواز آنجا به نام، ۸۵۰۰ کبوتر جای می‌گرفت و سالانه ۷۰ تن کود کبوتر تولید می‌کرد.

این بنا از نظر معماری بنای استوانه‌ای کم عرض آن شبیه به بناهای چند ضلعی قرون قبل از صفویه مثل مقبره سلطان محمد خدابنده، و گنبد‌های رک در عهدایلخانان است. این ساختمان در سه طبقه با بخش‌های مختلف ساخته شده‌است و طراحی داخلی این بنا محیطی تاریخی را برای گردشگران تداعی می‌کند. نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
تصویر و وصف کبوترخانه‌های اصفهان در سفرنامه‌های اروپایی صفویه از جمله در سفرنامه شاردن آمده‌است که تا چه حد خاک بی‌قوت کویرهای اطراف اصفهان را در جصت کشت غله و صیفی تقویت می‌کرده‌است.

### ۳- حومه و شهرهای شرق اصفهان (توابع همایونشهر و فلاورجان):

#### ۳-۱- خاتون آباد اصفهان:

در حومه شمال شرقی شهر اصفهان جویی به نام «جی شیر» جاری است که ظاهراً کانالی دستکند اصالتاً از عهد ساسانیان بود که برای آبیاری محله مرکزی یهودی نشین باستانی جی به کار می‌رفته است.

این منطقه شامل فضایی ترکیبی از صنایع سفال پزی و آجرپزی در کنار کشتزارهای غله و باغستانها است. وجود بقاعی چون امامزاده مختار و زینب بنت امام موسی کاظم و قاضی نامی نوعی فضای تاریخی و فرهنگی به آن منطقه داده است.

وجه تسمیه نام خاتون آباد شناخته نشد، اما بعید نیست که برگرفته از نام امامزاده زینب نامبرده باشد.

علمای خاتون آبادی مدفون در تخت فولاد از همین روستا برخاسته اند.

#### ۳-۲- روستای دستگرد:

واژه دستگرد، دستکم از عهد ساسانیان در نظام زمینداری ایرانی پدیدار شد. ظاهراً طی اعطای اجاره یا مالکیت اقطاع گونه اراضی حاصلخیز به درباریان از عهد خسروان این املاک تقسیم و ماندگار شد. امروزه چندین روستا در چهارگوشه ایران بدین نام باقی مانده است.

#### ۳-۳- کبوترخانه دستگرد:

کبوترخانه‌ای در سه طبقه در حاشیه روستای دستگرد باقی است که متعلق به عهد قاجار است. این کبوترخانه نیز به سبک کبوترخانه‌های صفوی از آجر و با پوشش داخلی و بیرونی کاهگل بود. در طبقه دوم پنجره‌های مشبک و بر فراز بام بنا پنج منار مشبک کوتاه هست که محل تهویه و نور دهی و ورود و خروج کبوتران بوده اند. مصالح کاهگل خنکا و صفا و سبشکی خاصی به هوای

درون کبوترخانه می‌داده‌است. کبوترخانه‌ها بخشی از ملک مزرعه به‌شمار می‌رفته و گاه معامله می‌شدند.

### ۳-۴- باغ حاج نایب:

سابقه تأسیس این باغ توسط یکی از اعیان دستگرد به نام حاج نایب به دهه ۱۳۵۰ شمسی می‌رسد، در آن روزگار درختان به و هلو در آن کشت می‌شد. اما امروز به دلیل خشکسالی بای و متروک است. بررسی‌های نگارنده بر سطح باغ سفال قرمز، نخودی، فیروزه‌ای سلجوقی وایلخانی و صفوی تا قاجار و سفال بدل چینی آبی سفید را حاصل کرد.

### ۳-۵- شهر خوزان:

وجه تسمیه این شهر چندان آشکار نشد، برخی از مردم محلی آن را برگرفته از واژه خیزان به معنی مردان کاری و عملگرا انگاشته‌اند. البته فرضیاتی در انتساب آنجا به خوزستان یا قبیله‌ای از کردان به نام خوزانی نیز وجود دارد.

### ۳-۶- مسجد جامع خوزان:

این مسجد که اساساً سلجوقی بوده‌است، در عهدایلخانان توسعه کلی یافت، در عهد صفویه بر طاقهای ایوانهایش نقاشی‌های هندسی و همچنین ترنجی و اسلیمی ترسیم شد. در عهد قاجار نیز یک محراب گچبری و گلدسته شروانی مکعبی و مقداری از کاشیکاری ایوانهای کوچک آن افزوده شده‌است.

### ۳-۷- کوچه خندق و مسجد سرپل خوزان:

امروزه از خندق خوزان جز نامی و جویی نمانده‌است. لیکن مسجد سرپل به کلی نوسازی شده‌است. این دو اثر روزگاری یکی از محله‌های حاشیه‌ای شهر خوزان را شکل می‌دادند.

### ۳-۸- روستای پیربکران:

میراث تصوف و سنت‌های منشی‌گری هویت تاریخی این روستا را شکل داده‌است. بابا محمود اشترجانی و پیربکران از این ناحیه برخاسته‌اند. البته کنیسه و مدرسه یهودی بزرگی در میانه روستا هست که کلیمیان ساکن سابقه آن را به حدود ۲۰۰۰ سال قبل (اشکانیان یا حتی هخامنشیان) منتسب می‌کنند. این امر و حتی دعوی انتساب قبره پیربکران به یهودیت، تقسیم روستا به دو محله صوفی نشین و یهودی نشین را نشان می‌دهد که شدت یافتن رقابتهایشان، بنا به حدس دکتر زارعی شاید بازمانده رقابت‌های مسلمانان و یهودیان در روزگار ارغون و صدرالدین خالدي زنجانی معروف به صدرچاوی باشد.

کنیسه شوشاندوخت همسریزگرد اول و مدرسه وسیع کلیمیان روستای پیربکران در محله کنار گورستان حاشیه روستا، بنای آجری وسیعی با دری است که بر آن نقش شمعدان یهودیان حک شده‌است. دیوارهای مرتفع با پوشش کاهگل و آنچه که از خارج نمایان بود، طاقهای رومی آن بنایی از اواسط قاجاریه را نشان می‌داد که با توجه به وسعتش به احتمال مدرسه و گورستان کلیمیان را نیز دربر می‌گرفت.

### ۳-۹- پل بابا محمود اشترجانی:

منشی الممالک دربار اولجایتو به نام اشترجانی به پدرش بابا محمود مالی واگذار کرده بود تا پلی بسازد تا برزاینده رود بنا شود تا ارتباط میان بلوک اشترجان و سروفیروزان را برقرار کند. این پل آجری بر پایه‌های بیضی شکل سنگی بنا شده بود، کمترین اصطکاک را با امواج خروشان زاینده رود در گذشته داشته‌است. البته پیش و پس از پل شبیهایی تعبیه شده بود تا به مثابه سدی تنظیمی مقداری از آب را در سال‌های خشکسالی در پشت خود نگهدارد

نام بابا در نظر روایات مردم محلی، اشاره به آن دارد که وی پدر محمد بن محمود بن علی اشترجانی بوده‌است و از طرف پسرش مأموریت یافته بود که این پل را برای برقراری ارتباط میان دو بلوک سهروفیروزان با پیربکران را در ولایت فلاورجان برقرار کند.

اما به حدس نگارنده لقب بابا اشاره به موقعیت صوفیانه یا فتوتی این شخصیت دارد که به عنوان بزرگ محل متولی انجام این خدمت عام‌المنفعه با مال دیوانی یا مال خاصه منشی شده بود.

ساخته شدن این پل نشان علاقه و اهتمامی است که محمد اشترجانی منشی اولجایتو به خاستگاه اجدادی خود داشته‌است که گذشت‌هلز نام نیکی که از او به یادگار می‌نهد، به احتمال در تقویت موقعیت اجتماعی و دیوانی و سیاسی او مؤثر می‌افتاد.

### ۳-۱۰- عمارت یا خانقاه پیربکران:

عمارت فوق از نظر نگارنده شامل چله خانه‌ای بوده که بر سرچشمه کوچکی بنا شده و پس از وفات پیربکران گورخانه‌ای با صندوق مرمرین بزرگی در کنار آن ساخته شد تا به صحن و محراب خانقاه الحاقی راه یابد.

به نظر می‌رسد که قدیم‌ترین قسمت این مجموعه چله خانه باشد که نیمی از گنبدش فروریخته و در دهه ۱۳۴۰ توسط باستان‌شناسان ایتالیایی مرمت شد. کف اصلی چله خانه بر صخره سیاهی است که آن را به شکل دایره‌ای به شعاع حدود یک متر بدون پوشش باقی گذاشته‌اند، روایات محلی حاکی از آن است که در آنجا سینی‌ای قرار داشت که مجسمه میوه‌هایی از سنگ در آن قرار داشت که به کار زهد و خودسازی شیخ می‌آمد. دروازه کوتاه گربه رو مانند چله خانه به سمت قبله و محراب و صندوق مزار او باز می‌شد.

سنگ مرمری بزرگی بر آرامگاه «محمد بن بکران» نصب شده که دارای خطوط و سنگ نوشته‌هایی است.

از آن جمله می‌توان به سنگ نوشته‌ای که «آیت الکرسی» به خط ثلث و به شکل برجسته در اطراف آن حکاکی شده‌است اشاره کرد.

«صلوات بر دوازده امام» در قسمت غربی آن حجاری شده‌است و در ذیل آنها نام 'استاد سراج'، هنرمند حجار سنگ دیده می‌شود.

در صحن که به محراب خیره کننده گچبری کتیبه‌های کوفی و رقاع و ریحان و اسلیمی‌های ساسانی اوایل اسلامی منتهی می‌شود، بندکشی‌های با مهرهای استامپی به گونه‌ای بر دیوارها چیده شده‌اند که آجرها و فضای خالی میان آنها بر هر دیوار نام یکی از خلفای راشدین به تصویر کشیده شده‌است.

در بیرون بنا طاقی از یک مسجد الحاقی به سبک اوایل مغولی با بقایای تأثیرات معماری خوارزمشاهی به سبک مساجد جامع فریومد و گناباد باقی است. لیکن جلال و شکوه اعجاز‌آمیزی که در گچبری‌های تزئین کتیبه‌های کوفی، تعلیق و نسخ و اسلیمی‌های به سبک ساسانی و هندی-غزنوی، و در گره چینی کاشیهای کوچک ستاره‌ای و هشت ضلعی و کاشیهای قالبی بزرگ سیمرغ و اسلیمی به سبک تخت سلیمان، آجرکاری و بندکشیهای با علامات خاص هریک از گچبران به سبک مسجد جامع سلجوقی اصفهان صفای خیال‌انگیز صوفیانه و هنری ظاهر و باطنی به آن داده‌است که اصول خلوت و جلوت، ظاهر و باطن، جمال و جلال و وحدت و کثرت را متجلی می‌سازد.

همین جاذبه‌های ظاهری و معنوی خیلی از مشتاقان و مریدان را به زیارت و اعتکاف در این بقعه کشانده‌است که یادگاری‌های آنان بر طاقهای صحن آن باقی است.

یادگاری‌های نوشته شده بر طاق نماهای داخلی گچی پیربکران از عهد تیموریان تا قاجاریه و پس از آن غالباً توسط معتکفان و مریدان و حاجتمندان و حتی زائران مسلمان به زبان‌های فارسی و عربی نگاشته شده‌است، لیکن از آنجا که کلیمیان محلی نیز معتقد هستند که این بنا یا این شخصیت به آنان تعلق دارد، یادگارهایی به خط عبری بر گوشه و کنارش نگاشته‌اند. با توجه به تاریخ احتمالی یادگارهای عبری رقابت‌های پنهان و آشکار مذکور در قرون اخیر شدت یا بروز یافته بود.

ریشه این امر به احتمال از آنجا است که به قول پروفیسور هرتسفلد ایران‌شناس و مستشرق غربی در کتاب آثار ایران درباره بقعه پیربکران و این تخته سنگ می‌نویسد: «در سال ۱۹۲۳ (۱۳۴۱ هجری شمسی) در لنجان اثر دیگری از «ملکه سوسن» (شوشاندوخت همسر یزگرد یکم ۳۹۹-

۴۲۰) پیدا کردم. بقعه پیربکران، تقلید و پیروی از طاق کسری است و بر کف آن تخته سنگی وجود دارد که بر روی آن جای سم اسبی (مظهر چشمه‌ای) مشهود و منسوب به «اسب الیاس پیامبر» بوده است».

### ۳-۱۱- بقعه شاه ابوالقاسم:

بقعه‌ای با گنبد رک با رنگ زمینه‌ای فیروزه‌ای متوسط با نقوش لوزیهای تودرتو بر آجرکاشیهایی به رنگهای سفید و زرد و با قلمگیری مشکی است. در کنار گنبدخانه، زائر سرایی با نقشه‌ای شبیه به کاروانسرای است که بدون ایوان و برج ساخته شده و شامل مجموعه‌ای از اتاقها برای اقامت زائران است که سبک گچبری فرنگی و طاقهای رومی در آن اشاره به الحاقات نیمه دوم قاجاریه دارد.

### ۳-۱۲- بقعه شمس‌الدین:

این بقعه چنان نوسازی شده است که نه از هویت معماری و نه حتی از شواهد سفال شناختی اش اثری مشهود نیست. تنها از نوع نام این شخصیت حدسی در باب انتساب او به قرون میانه اسلامی می‌توان زد.

### ۳-۱۳- روستای جوچی:

طبق مصاحبه با آقای حیدر قاسمی متولی ۸۰ ساله بقعه زید، وجه تسمیه این روستا به سبب غلبه جمعیتی یهودیان بومی آن است که با مردم روستاهای اطراف از جمله پیربکران بر سر آب اختلاف داشتند. از این رو به این روستا آمدند و عزلت گزیدند؛ و جویی خاص خود از زاینده‌رود جدا کردند که به جوی جهودی شهرت یافت و بر اثر کثرت استعمال به جوچی تغییر شکل داد. این نام برخلاف تصور اولیه نگارنده، ارتباطی با نام مغولی جوچی ندارد.

### ۳-۱۴- بقعه زید بن زید بن امام حسن مجتبی:

در کنار صخره‌ای در حاشیه روستای جوچی، بقعه نوسازی شده امامزاده زید هست که گویا در دهه ۱۳۵۰ نوسازی شده، اما بنای اصلی آن منتسب به صفویه است که از پایتخت خود اصفهان، در اعتلای آثار تشیع می‌کوشید.

نکته عجیب این است که خرده سفال‌های نخودی منقوش‌ایلامی، سفال قرمز به سبک اشکانی، سفال فیروزه‌ای ایلخانی، فیروزه‌ای رقیق صفوی، و کاشیهای هفت رنگ دوره پهلوی رد کوشه و کنار صخره دیده می‌شوند که نشان می‌دهند اینجا استقرار گاهی بس قدیمتر و متداومتر بوده‌است که بر سر راه اصفهان و راه‌های جنوب شرقی آن اشراف داشته‌است.

### ۳-۱۵- بقعه سید پیراحمد:

مزار ویرانه‌ای با طاقی فرو ریخته و مرتفع که اصلاً به سبک معماری آذری در دوطبقه و با آجرکاریها ساخته و تزیین شده‌است. نام پیر و همچنین اکثریت خرده سفال‌های فیروزه‌ای ایلخانی در اطراف محوطه، انتساب این بنا به عهد مغول را قریب به یقین می‌کند.

### ۴- آثار شهرهای غربی استان اصفهان:

#### ۴-۱- کاروانسرای عباسی گز:

این کاروانسرا که به نام کاروانسرای گز نیز مشهور و از وسیعترین کاروانسراهای ایرانی است. برج‌هایی با گنبد‌های پیازی دارد که از ویژگی‌های منحصر به فرد آن است. در اطراف کاروانسرا سفال‌های فیروزه‌ای تیره صدفی شده سلجوقی، سفال فیروزه‌ای با نقوش مشکی زیرلعابی به سبک ایلخانان، و اندکی سفال و ماشین با لعاب لاجوردی به سبک تیموریان و ترکمانان نشان می‌دهد که در همین محوطه از قرون پیشتر کاروانسرائی بوده که سابقه آن حداقل به سلجوقیان بازمی‌گشت.



**۲-۴- روستای جیلان:**

این روستا در قدیم به نام کلوخ آباد مشهور بود. وجه این تسمیه برگرفته از خاک رسی منطقه است که موجب پیدایش بافت سنتی روستا از جنس خشت و گل است. همین خاک برای کشاورزی نیز مناسب است.

**۳-۴- کاروانسرای خشت و گلی:**

کاروانسرای خشت و گلی با طاقهای ضربی و هلالی از خشت و گل ساخته شده است؛ که از نظر سبک معماری به نیمه دوم قاجاریه مانده است؛ و اکنون به زباله دانی تبدیل شده است.

**۴-۴- روستای سین:**

وجه تسمیه این روستا و بسیاری دیگر از روستاهای اصفهان بر نگارنده معلوم نشد. صرف نظر از سابقه تاریخی این نام‌ها، نوع دگرگونی آنها در لهجه اصفهانی قابل بررسی است.

**۵-۴- مسجد جامع سین:**

مسجد دوايوانی کوچکی است تنها نوع تزئین در آن آجرکاری است. اما نکته قابل توجه در این مسجد، یکی کتیبه کوفی آجری واقع در طبقه دوم ایوان است که تاریخ بنای مسجد را در سال ۵۲۶ هجری نشان می‌دهد. نکته مهمتر این که تک مناره آجرکاری بلندی دارد که از دوردست هویداست.

**۶-۴- چشمه شط فرات در محله حاج درویش:**

در نزدیکی مسجد سین، گودال بیضی شکلی به طول حدود شش متر است که گرداگرد آن تعزیه برگزار می‌شد و مسجدی قاجاری با مناره کلاه فرنگی فلزی در کنار آن است. تعزیه خانه فوق با اوصاف فوق برای نگارنده تازگی دارد.

#### ۴-۷-روستای برسیان:

وجه تسمیه روستا از قول متولی مسجد جامع تاریخی آن آقای برسیانی، به احتمال برآمده از واژه پارسیان است. در تحقیقات نگارنده، تنها واژه نزدیک به این نام، نوعی گیاه است که در شام می‌روید و نام آن برس است.

#### ۴-۸-مسجد جامع برسیان:

این بنا از مساجد شاخص عهدایلخانان در اصفهان است، ایوان و شبستان شمالی آن به کلی فروریخته است اما شگفتا که گنبدخانه باقی است. دلیل این امر شاید ضعف زیرسازی یا نفوذ رطوبت در زیر شالوده آن بوده است. در ادوار بعد شاید برای جلوگیری از فروریختن ایوان شمالی درگاهی مربع شکل از آجر و ساروج به عنوان تکیه گاه زیر طاق در زمان صفویه بنا شده بود. کتیبه کاشی معرقی به خط ثلث جلی زیبایی به احتمال از عهد صفویه بر طاق شمالی باقی است؛ که دریغا امضای کاتب و کاشیتراش آن ریخته است. اما بر اساس قالب گچ زیر کاشیهای معرق شاید فعلاً قابل خواندن باشد؛ و البته در برابر باران بسیار آسیب پذیر است.

#### ۴-۹-کاروانسرای برسیان:

کاروانسرای از عهد صفویه است که اندازه آن متوسط است. در هر کنج از آن شترخانی لوزی شکل است که بر صحن اشراف دارد. روبروی در ورودی نیز شاه نشینی با طاقهای هلالی سه گانه (سه دری) است که بر دروازه کاروانسرا مشرف است. حجره‌های واقع در اضلاع چهارگانه ساختمان به هم راه دارند.

خرده سفال‌های واقع در کاهگل تازه‌ای که بام را با آن اندود کرده‌اند و به احتمال از گل اطراف کاروانسرا استفاده کرده‌اند، نشان می‌دهند که برخی از آنها فیروزه‌ای با نقوش زیرلعابی مشکی عهدایلخانان، و سفال بدل چینی آبی و سفید است.

**۴-۱۰- مسجد جامع کاج:**

در حاشیه روستا مسجدی نیمه ویرانه است که حتی نمای آن در حال نوسازی است. درون گنبد دارای کتیبه کوفی در قاب لوزی است. در گوی داخلی گنبد کتیبه‌ای به خط ثلث بر کاشی معقلی باقی است که دریغا قسمت مربوط به تاریخ و نام احتمالی هنرمند فرو ریخته است.

**۴-۱۱- مسجد جامع دشتی:**

در روستای دشتی از توابع برآن مسجدی است که فقط گنبدخانه آن با پلان مربع و گوی هشت ضلعی و پنجره هلی مشبک بزرگ بود که شامل گنبد پیازی ساده‌ای است که شاید فقط پوشش داخلی آن باقی مانده است. اما طاقها و شبستان‌های شمالی آن از میان رفته است. نمای داخلی مسجد جز آجر تزئین خاصی ندارد و بسیار ساده است. این امر حاکی از نابود شدن تزئینات گچبری و کاشی‌کاری آن نمانده است. با توجه به عظمت گوی بنا سه کنج‌سازیه‌ها، مقرنس کاریهای آجری بزرگ و بارگذاری‌های فنی مهمی دارد.

**۴-۱۲- اشترجان (ایمان شهر کنونی):**

وجه تسمیه شهر مذکور به احتمال قوی برگرفته از اشترگان به معنی محلی برای پرورش شتر و به احتمال شغل اصلی مردمش مکاریگری بوده است. شاید دلیل این امر موقعیت جغرافیایی آنجا بین اصفهان به راه‌های جنوبی منتهی به لردگان و دهدز به خوزستان و برای راه‌های لرستان از طریق شهرکرد و همچنین راه‌های شمال غربی اصفهان به سمت نطنز و ری و جاده موسوم به ابریشم بوده است. در اواخر عهدایلخانان محمد بن محمد اشترجانی مستوفی اولجایتو و ابوسعید که از این منطقه برخاسته بود، یک سری فعالیت‌های عمرانی را در منطقه انجام داد. روایات محلی و اطلاعات مندرج در تابلوهای سازمان میراث فرهنگی حاکی از آن است که برخی از این سازه‌ها از قبیل پل بابا محمود توسط یا زیر نظر پدر مستوفی مذکور موسوم به بابا محمود ساخته

شده بود. البته معلوم نیست که عنوان «بابا» برگرفته از لقب صوفیانه رایج در اصفهان در عهد مغول است یا چنان که عوام می‌گویند به معنی پدر مستوفی مذکور است.

#### ۴-۱۳- مسجد جامع اشترجان:

مسجد مذکور از مساجد شاخص عهدایلخانان است که به سبک خاص اقلیم عراق عجم ساخته شده است. از این نظر شبیه به مسجد جامع نطنز است، حال آنکه بقایای مساجد مغولی شهر اصفهان شبیه معماری آل مظفر در یزد است. یکی از شواهد این امر نقشه دویوانی مسجد فوق است که به سبک رازی سلجوقی نزدیکتر است تا به شیوه آذری معمول در عهدایلخانان. نقاط اوج در تزئین مسجد نامبرده، درگاه عظیم ورودی ایوان شمالی (ورودی اصلی)، درگاه غربی که کوچکتر و ورودی فرعی است، و همچنین محراب ساده و زیبای مسجد است.

#### درگاه عظیم ورودی ایوان شمالی (ورودی اصلی):

کتیبه کوفی بنایی از پایه‌ای قرآنی در قاب درگاه شمالی و کتیبه پیشانی ورودی همان ایوان در ذکر فرمان اشترجانی مستوفی برای بنای مسجد بر کاشی معرق نقش بسته است. لیکن حفاری‌های باستان‌شناسی بر دیوار زیر کتیبه قاب مذکور در عمق ۱۰ سانتیمتری کتیبه کوفی بنایی قدیمتری از آجر تراش بی‌لعباب به سبک مکتب رازی و آجرکاری عهد سلجوقی نمایان شده است که اشاره به وجود یک دوره ساختمانی قدیم‌تر دارد. این امر در تناقض با کتیبه مستوفی است که مدعی «امر ببناء هذا المسجد...» شده بود.

#### درگاه شرقی:

ارتفاع این درگاه بسی کوتاه‌تر از درگاه شمالی است. از نظر تزئین نیز فاقد هرگونه کاشی‌کاری است، در عوض مقرنس گچبری زنبوری ظریف و تزئینات هندسی و اسلیمی و آجرکاری‌های خیره‌کننده‌ای دارد.

**محراب:**

بر کتیبه محراب گنبدخانه مسجد، تاریخ ۷۱۵ ثبت شده است و کتیبه‌ای دیگر بر سردر شرقی، به همین تاریخ است. در شبستان شرقی، کتیبه‌ای مربوط به تعمیرات سال ۸۸۱ دیده می‌شود و سنگاب واقع در گنبدخانه مورخ به ۱۲۴۴ است.

**شبستان های شرقی و غربی:**

شبستان‌هایی با جرزهای قطور آجرکاری و بندکشی به شیوه تزئینات استامپی هندسی و شبه کتیبه‌ای "الله و لاّ دارد که شاید نخستین بار در مسجد جامع سلجوقی اصفهان دیده شده است. به نظر می‌رسد که اینها مهرها و نمادهای بن کشان و معماران است که به احتمال در عهد سلجوقی در بنای مسجد شرکت داشته‌اند.

متن کتیبه شبستان شرقی چنین است: «در زمان خلافت حضرت پادشاه اسلام السلطان الاعظم مالک رقاب الامم ابوالنصر حسن بهادرخان خلد الله ملکه و سلطانه تعمیر همین مسجد بسم جلیل خان اقرار/ اشعار نمود از خاص اموال... الشيخ السالک للشریعه (?) کمل الدین اسماعیل الطهرانی اللذان اهتما فی حال المعاضده للرعیه؟ و عرفا لاصحاب... رعایا... در ربیع الاول سنه احدی و ثمانین و ثمانمائه.» قاب گرداگرد این کتیبه رایه‌ای قرآنی در باب تعمیر مساجد از سوره توبه (بسم الله الرحمن الرحیم، انما یعمّر مساجد الله من آمن بالیوم الاخر و اقام الصلوة و آتی الزکوة و لایخش الا الله.. صدق الله العظیم. (نام کاتب:؟) صدر الدین» فرا گرفته است. هم متن و هم حاشیه حاکی از مشروعیت طلبی اوزون حسن در ولایت عراق عجم است که خاستگاه او نبوده است؛ بنابراین هم تعمیر مسجد برای راضی کردن علما و هم هم سپردن تعمیر مسجد به عرفا برای جلب حمایت اهل طریقت بوده است. برای بررسی بیشتر این موضوع، مطالعه تطبیقی کتیبه مذکور با کتیبه‌های بقعه شهشهرانی در شهر اصفهان ضروری می‌نماید. مثلاً در وقفنامه‌هایی توسط ترکمانان قریه اصفهانک در جنوب شرقی شهر اصفهان به بقعه شاه علاءالدین محمد

شهشاهانی عارف نامدار اصفهان در آن عهد، وقف شده بود؛ که در قسمت مربوطه وصف آن رفت.

### گنبد و مناره‌ها:

گنبدی که از مسجد جامع اشترجان باقی مانده است، در واقع پوش درونی ساده و آجری آن است که همچون نیم کاسه‌ای مایل به گنبدهای پیازی مانده است. با توجه به پایه مدور موجود بر فراز گلوی گنبد موجود، پوش بیرونی بزرگتری داشته است به عبارت دیگر گنبد از نوع دو پوش بوده است که با عنایت به نوع تزئینات مناره‌ها، می‌توان حدس زد که گنبد بیرونی آن تزئیناتی شبیه به گنبد مسجد جامع کبیر یزد داشته است. یعنی لوزی‌هایی از ترکیب آجر و کاشیهای لاجوردی و فیروزه‌ای بر زمینه خاکی.

مشهور است که مناره‌های این مسجد نیز مثل منارجنبان اصفهان (بر سر مزار عمو قاسم، بنا به تاریخ تاریخ ۷۱۵ هجری) می‌جنبیده و اکنون فرو ریخته است. لیکن مناره‌های مسجد اشترجان از نظر تزئین بسیار شبیه ترکیب آجر و کاشی به شیوه مسجد جامع کبیر یزد است نه مناره‌های کوتاه و باریک منارجنبان اصفهان که به احتمال در عهد صفویه بنا بر مشهورات توسط شیخ بهایی بازسازی شده بود.

معنی این تشابه تزئینی میان مسجد جامع اشترجان و مسجد کبیر یزد چیست؟ شاید بتوان گفت که ارتباط تجاری و فرهنگی از طریق جاده‌های کاروانی میان یزد و اصفهان به دلیل رواج حرفه مکاریگری، ساربانی و شترچرانی بوده است.

### نتیجه:

یافته‌های بررسی حاضر ضمن تأیید فرضیه تأکید دارد که عنصر محله به عنوان کوچکترین واحد مستقل سکونتی، شهرهای اصفهان را پاره‌پاره کرد و جای وحدت شهری را گرفت. مهمترین عامل محدث شهری و صنفی و اجتماعی صوفیانی بودند که با لقبهای خویشاوندانه کاکا، بابا و عمو

همبستگی اجتماعی محله‌ها را تقویت می‌کردند. از علل غنای میراث فرهنگی شهرهای اصفهان، قوت فرهنگ کار و اقتصاد در روحیه قومی مردم شهرهای اصفهان بوده‌است که در شهرهای حوضه زاینده رود، اقتصاد کشاورزی، و در نواحی شرقی مجاور با بیابانهای یزد، صنایعی چون آجرپزی، کاشی تراشی و صنایع لعاب و سفال سازی و بافندگی موجب تجمع ثروت و شکل‌گیری الگوی مصرف و هویت محلی شد که نماد آن در ساخت مساجد و خانقاه‌ها و مناره‌های راهداری متجلی شد.

#### منابع و مأخذ:

- بحرانی پور، علی. *بررسی میدانی شهرهای اصفهان در نیمه اول فروردین ۱۳۹۱* (به همراه همسر دکترا زهرا زارعی).
- اوبن، ژان. «نکاتی درباره اسناد اق قویونلوها». ترجمه سرهنگ یحیی شهیدی. *بررسی‌های تاریخی*، شماره ۳، سال دهم، مرداد-شهریور ۱۳۴۵، ص ۱۹۷-۲۴۲.
- طباطبایی، مدرسی. «چند سند تاریخی مربوط به اصفهان». *مجله وحید*. تهران، شماره ۲۲۷، اسفند ۱۳۵۶، صفحه ۲۵.
- میرزا زمانی، محمدرضا، *بقعه شهشهان و اسناد آن*. سالنامه کشور ایران، سال دوازدهم، ۱۳۳۶ خورشیدی، صفحات ۶۱-۶۴.